پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پنجا هم) دو شنبه ۱۲ حوت ۱۳۴۷ – ۳ مارچ ۱۹۶۹

خاطره زنان قهرمان جهان !

عصرما ، عصر انقلابهای خروشان رهائی بخش ملی و اجتماعی ، عصر شکستاندن زنجیر های برده گیست. موج های نیرومند مبارزه قهرمانانه زنان دوشادوش مبارزه دلیرانه مردان، طوفان سیستم استعمار و تبعیض را درهم می بیچد وارگان ارتجاع و امپریالیزم را ازهم فرو میشکند ، هر روز توده های عظیم خلق جهان سالها دست داشتن مشعل فروزان ودرخشن کلتوکن اید بالوژی زحمتکشان ، بخا طر تأمین صلح، کار ، آزادی ، برابری ،خواهری وبرادری ونیکبختی بسیج میگردند و در بیکار شرافتمندانه خود تا بد بروزی نهائی به پیش میروند . مبارزه زنان ملل جهان که نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل میدهند وبیشتر ازمردان تحت زنجیر بردگی طالمانه ارتجاع و امپریالیزم قرار دارند ، هنوز بیا یان نرسیده است ، تاکنون تنها در کشور های سوسیالیستی است که زنان از تمام حقوق وآزادیهای سیا سی واجتماعی خویش برخو ردارانـد و موفق به پاره کردن زنجیر های اسارت شده اند . زنان پیشتا هنگ جهان سرمایه داری وزنان کشورهای کم رشد آسیا ، افریقا وامریکای لاتین از زنان قهرمانی چون روزا لکزامبورگ ، کریسکایا، کازنی ، زویا ، جمیله ، ملائی ، وهزاران زن شیردل دوران معاصر که در زیر خلیک آتش دشمن ، در وشنیام دشت های سوزان عرب ، در اعما ق جنگل های افریقا می جنگند لبو ، می میگیرند ، مبارزه میکنند وبه پیروزی نزدیك میشوند ودر بعضی از این کشور ها به مو فقیتها یی هم رسیده اند .

اینك در کشور ما بعد از دوره نهضت امانی ، زنان افغانستان نیز علی رغم سلطه وتفتین ارتجاع وامپریالیزم دلیرانه در جاده مبارزه برای کسب حقوق وآزادی کامل بتاخته اند .

تاریخ مبارزات زن افغانی در جنگ های عادلانه رهائی بخش ملی ضد استعمار ، سا بریج بر خود ، بخصوص در سالهای اخیر زنان کشور وسازمان دموکراتیك زنان افغانستان ، زنان آگاه دموکراتیك افغانستان وصف ناپذیر است . ما زنان افغانستان بخصوص برای تهضت اخیر زنان والای خلق ، مبارزات دلیرانه خودرا بخاطر صلح ، آزادی ، دموکرا سی، ترقی ، برابری وعدالت تا آخرین لمحات زندگی ادامه دهند .

این احساس مؤجز بخاطر ر و ز سنبهی زنان جهان ، بخاطر ۸ ، ژن همزوم آن سنبهای درخشان صلح والای خلق ، مبارزات دلیرانه مردان بخاطر صلح ، آزادی ، دموکرا سی، ترقی ، برابری وعدالت تا آخرین لمحات زندگی ادامه دهند .

جمیله (ناهید)

رویدادهای مهم

جهان در هفته گذشته

انگلستان باکمك نظامی خود

به اسرائیل جانس حل سیاسی برابلم شرق میانه را از بین می برد

تجربه ثابت کرده است کـــه اسرائیل زمانی به اعمال تجاوزکارانهٔ خود می افزاید که از دریافت کمك نظامی از یکی از کشور های امپر ـ یالیستی اطمینان حاصل کند . چنانچه همین اکنون که حکومت برتانیـــه آمادگی خودرا برای دادن کمك نظامی به اسرائیل اعلان نموده، تجاوزا ت اسرائیل بر کشور های عربی شدت اختیار کـــرده است . بمباردمـــان اسرائیل بر اطراف شهر دمشق وتندید بمباران ازدن به شکلی از اشکال ، نتیجه اطمینانیست که ازدرك ارتجاع نظامی برتانیه حاصـــل نموده است .

در حالیکه مساعی در راه پیدا نمودن طرق حل سیاسی برابلم شرق میانه هنوز بجائی نرسیده است ،اعطای کمك نظامی از طرف انگلستان به اسرائیل افاده صریح این حقیقت است که انگلستان بحیث مسول در عمده ایجاد برابلم فلسطین ، بـــازسوء نیت دیرئی وخصوصـــت آشتی ـ ناپذیر خودرا باچهان عرب وجنبش آزادیبخش ملی اعراب نشانداد .

امپریالیزم برتانیه می خواهد باین عمل خصمانه خود بحران شرق میانه را دائمی سازد و ازمحل مسالمت آمیز آن حل گیری نماید ، واز اینرو له منافع خودرا در شرق میانه حفظ وپایداری براکو فروش اسلحه خودنیه نماید . ولی بایددانست که امپریالیزم بدیگر جانس نمیتواند دلحو بیروزی جنبش آزادیبخش ملـــی اعراب باکمك و تشویق خود نشا نیـــــد .

نماید نیروی نظامی و بیـــداری اعراب را یا حاقت قبل از ماه جون ۱۹۶۷ ـ اشتباه نمود . هر گاه این بار آتش جنگ در شرق میانه مشتعل شود ، تمام بلاتهای امپریالیزم ومحصول آن (دولت اسرائیل)راطعمهٔ حریق خواهد شود و امپریالیستهـــا آخرین بانکها و تکیه گاههای خودرا دراین ناحیه برای همیشه از دست خواهند داد .

کنفرانس پاریس در جنوب شرق آسیا

امپریالیزم در جنوب شرق آسیا

کنفرانس پاریس علی رغم توقعات افکار عامه جهان ، دائر روش توطیه آمیز و کارشکنی امپریالیزم و رژیم سیگونی هیچ نوع پیشرفتی حاصل نه نموده است . از بیانات نماینده امریکا چنین برمی آید که واشنگتن وسیگون حاضر نیستند تعرض دوبنتام بطور کامل خاتمه یابد .

تشدید فعالیت هوایی و زمینـــی دوبنتام جنوبی و ادامهٔ تجاوز ترا حاکمیت ملی وبیتنام شمالیـــ ،لاوس و کمبودیا این ثبت صورت آنها را باثبات میرساند .

امپریالیزم مداخلات خودرا در امورداخلی لاوس افزایش داده ، نزاع داخلی را دران گونه دامن می زند وبطور آشکار خصومت علیه نیروهای دموکراتیك لاوس را تحریك مینماید .

حکومت کمبودیا از اعمال تجاوزکارانهٔ امپر یالیزم امریکا در سرحدات آنکشور شکایت مینماید . در اثر آتشباریهای بیپهم بر سر حـــات کمبودیا ، تلفات مالی وجانی زیادی بران کشور وارد می آید .

حکومت امریکا همواره تهدیـــدمینماید که اگر نیرو های جبهـــهٔ آزادی ملی از شدت بخشیدن خود نگاهد تعملیات بالمثل دست خواهند زد، وبمباردمان ویتنام شمالی را باردیگر آغاز خواهد کرد .

از حقایق فوق چنین بر می آید که امپریالیزم واژتجاوز حاضر نیستند به ندای عقل گوش دهند وچنگ طالبانه ئی را که خود آغـاز نموده انـد خاتمه دهند .

در اینصورت مردم ویتنام هیـــچ چاره ئی جـز ادامـهٔ جنگ تامرحله پیروزی و اخراج قبری نیرو هـای اجنبی از سرزمین خود نخواهـــد داشت و مسوولیت تمام عواقب ناشی از ادامهٔ جنگ بدوش امریکا و پیروان آن خواهد بود .

پیروزیهای جدید مردم پیرو

در راه استقلال اقتصادی

جنبش آزادیبخش ملی ضد امپـــریالیستی درامریکای لاتین اوجمیگیرد وعلی رغم تهدیدات و مشکلاتی که امپریالیزم در راه آن ایجاد میکند ، به پیروزی های جدیدی نایل میگردد.

حکومت پیرو در برابر سود های هنگفت و غارتگرانه ئی که احصارات امپریالیستی ازبابت منابع نفتی آن کشور بدست آورده اند ، صنایع نفت خود را ملی کرد و مالکیـــت امریکائیها را که بالغ بـــه (۷۰۰) ملیون دالر می شود دربعلل قرضه داری های امریکاسلط نمود . رئیس جمهور پیرو در برابر فشار هائی که ازطرف حکومت امریکا بران وارد میشود ، اظهار داشت ، در قرارنامه استـــادامریکائیها در بانکهای پیرو مطالعه گردیده ، ازمحل امریکائیان (۵) ملیارد دالر ما ، ازدرك نفت غارت کرده اند. امریکا می خواهد ما را مانند کیوبا به محاصره بکشاند . امریکا مارا تهدید میکند که شکر مارا نخواهد خرید .

باید گفته شود که این بزرگترین اشتباه امریکاست ، مابازار هـــای دیگری داریم که شکر مارا خریداری کنند. امریکا نمی تواندباین تاکتیك ما هارا ای همیشه از دست خواهد داد .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

شماره (پنجا هم) دو شنبه ۱۲ حوت ۱۳۴۷ – ۳ مارچ ۱۹۶۹

دمارچ د اتمی نیټی

دنړی دنښځو دنهضت او پیوستون دبین المللی ورځی

به مناسبت

درنومیندو، خوینده: دافغانستان نجیب دستا نـــ ز و ز بین المللی دافغا نستان دخلك دموکرا تیك دمارچ د اتمی بین المللی ورځی دنښځو دچغاړی نهضت ود نړی دبولوټیکـــو د یو ستـــونو د ر ځـــی به مناسبت ، دنړه له کومی هیڅاړ دیاو ای دګاو ، اجتماعی او کورنـــی ژوند به وګرځی دسیاسی، اقتصادی، اجتماعی او ثقافتی حقوقو او آزادیو به خاطر دمبارزی لپا ره ستـــا سو دنوهنڅ لاندی لری .

باید به یاد ولرل شی چه دنړ ی ښځی هر کال دمارچ اتمهورځ دخپل پیوستو ن دورځی به عنوان لمانځی .مور هیله لرو چه دافغانستان ټو لی ښځی له دی ورځی سره آشنائی اوبه همګونوا بطګی داجنګولمانځی. دافغانستان یوه ښځی ښی یوهیرچه دافغانستان نجیبی او زیا د استیونکی ښځی دافغانستان به ګلیوا ښارونو کی به که سخنو فر دی او اجتماعی قرون وسطائی شرا بطوکی تر سرورونغلونو لاندی د ژنه کوی .

(٤ مخ)

دمارچ د اتمی نیټی

دنړی دنښځو دنهضت او پیوستون دبین المللی ورځی

به مناسبت

درنومیندو، خوینده: دافغانستان نجیب دستا نـــ ز و ز بین المللی دافغا نستان دخلك دموکرا تیك دمارچ د اتمی بین المللی ورځی دنښځو دچغاړی نهضت ود نړی دبولوټیکـــو د یو ستـــونو د ر ځـــی به مناسبت ، دنړه له کومی هیڅاړ دیاو ای دګاو ، اجتماعی او کورنـــی ژوند به وګرځی دسیاسی، اقتصادی، اجتماعی او ثقافتی حقوقو او آزادیو به خاطر دمبارزی لپا ره ستـــا سو دنوهنڅ لاندی لری .

باید به یاد ولرل شی چه دنړ ی ښځی هر کال دمارچ اتمهورځ دخپل پیوستو ن دورځی به عنوان لمانځی .مور هیله لرو چه دافغانستان ټو لی ښځی له دی ورځی سره آشنائی اوبه همګونوا بطګی داجنګولمانځی. دافغانستان یوه ښځی ښی یوهیرچه دافغانستان نجیبی او زیا د استیونکی ښځی دافغانستان به ګلیوا ښارونو کی به که سخنو فر دی او اجتماعی قرون وسطائی شرا بطوکی تر سرورونغلونو لاندی د ژنه کوی .

(٤ مخ)

بمناسبت روز بین المللی هشتم مارچ

روز جنبش وهمبستگی تمام زنان جهان

مادرین وخواهرین بر جنده!: زنان نجیب افغانستان !

نیـــر وی د موکـــرا تیـــك خلق افـــغا نستـــا ن ر و ز بین المللی هشـــم ما ر چ ، جنبش جها نی زنان ، روز همبستگی تمام زنان جهان را بنشا ا از صمیم قلب تبریك میگویم وتوفیق شما را در مبارزه بخا طر حقوق وآزادیهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی ، درکار وتحصیل وزندگی خانوادگی آرزومند است .

باید بخا طر آورد که همه سالـــه روز هشتم مارچ را زنان جهان بعنوان روز همبستگی خود جشن میگیرند .ما امید واریم که تمام زنان افغانستان نیز با ایـــن روز آشنـــا شوند ودرشرایط ممکن این جشن را برگزار کنند .

زنـــان آگاه افغانستـــان بخوبـــی میدانند که زنان نجیـــب وزحمتکش وطن درچـــه شرایطـــ دشوار قـــر دی واجتماعی قرون وسطائی وبا تحمـــل رنج های عظیم در شهر وده زندگی میکنند .

(ص ٤)

بیرك كارمل

نباید از اعترافات آشکار

به اشتباهات ترسید !

طبقات حاکمه افغا نستان و تمام مرتجعین و مستبدین خاین کوشش میباید وا قدامات ضد ملی ، ضد حقیقی رشد دموکراتیك مرد وبخاطر حفظ اوضاع ... ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ جوان را ازدانه، بطور آتـــی نابدبری و مشت دارند و در مقابل اشتباه گرانی که برده ازروی جنایات رجحایز آنان برفی دارد، بر خود میلرزند .

همچنان تمام اشخاص و محافـــل حاکمه وسازمانهای سیاسی مربو طبه طبقات حاکمه واحزاب لیبرالـــی کشور و دابسته بامپریالیزم بنابرمماهیت ارتجاعی وضعیت خود ، ا صیل اشتـــباه و ا نتقـــد ازخود را پر میـــنا ی مـــیا ر دا ر مطـــالعی و صبط و ا شتی طبقاتی راتوصیه مینمایند ودر نتیجه موجب تحمیق، انحطاط وسیاسی شدن در جامعه میگردند .

مکذا تمام سازشکاران ومنحرفین وپیروتوریسیـــت هـــای چپ و راست بخصوص چپ وجا وچپ نماها بنابر اشتباهات زود افزونخویش خارج نمیشود ومنشی جها نبینی علمی درهم استوده لوجرحاته اصل انتقاد از خود را نقض وبه صورت خطر ناکی بابمال میکنند .همچنگاه به خطاها و اشتباهات زیا ئی بخش خود اعتراف نمی نمایند ، از موضع نادرست خویش خارج نمیشود ونمیخواهند تسلیم شوند .

لیجن زار ایرتوتیزم و جیاشد فرو میرود ، از چوکات «انتقاد» اصولی، سالم وعلمی خارج شده اند وطبق «لوچکی از اشتباهات وحشا های سنگین خود را بما نشان دهند .

یکباردیگر بخاطر مبارزیم کـــه دعلت زوال نظام اجتماعی ما ، ا ستعمار ا ز امپا ن رفته آن بوده است که فرمود شده بودند ونمیتـــوا نستند به پیشـــد قوتشان در چیـــست ، میتر میبدند را جع به سستیهای خود سخنی به زبان آرند . ولی ما از میان خواهشهـــ رفت زیرا از بر زبان راندن سستیهای خویش بیم نداریم ورفـــع سستی را جا هیم آموخت .

ا یا این اصل خلاق فوق ا ا ســـی نیست که باید عناصر صدیق مترقی وپیشرو که به ایدئولوژی طبقه کارگر وفادارانـــد ، بخوبی ترس وشرافتمندانه به اشتباهات خود اعتراف کنند ودر جبارچوب امر ، انتقاد وانتقاد از خود را در میان خویش به عنوان ا ن اسلوب آزمایش کار وطریقه کشف ورفع اشتباهات ونواقص وپـــرورش صحیح رهبرانی وکارزدهای انقلابی با تمام توسایط ودسته دهند . ا ن ا ا ا

سیاست مترقی بمثابه علم وهنر

ستراتژی و تاکتیکهای سیاسی

فرق میان ستراتژی وتاکتیک

جنبش مترقی و کار گری معاصر ستراتژی را به معنی جهت دادن عمده جنبش طبقهٔ کار گر در یک دوران مشخص تکامل اجتماعی به بهایت بهتر بمعنی وظائف عمومی و عمده، طبقهٔ کار گر و حزب آن، در نظر میگیرد. به عبارت دیگر، یک ستراتژ نیل هدفهائی مطرح که مجبور با تئوری علمی آنها، و در دفاع از منافع خلق کار گر انقلابی، هاي خودرا بر مبنای شناخت قوانین عمومی تکامل اجتماعی و بحضور می بر اساس شناخت قوانین عینا زنده طبقاتی تنظیم مینماید: آرایش نیروی های طبقاتی و در هر وضع مشخص در نظر میگیرد و متوجه آنها می نماید که شروط اولی و ضروری برای پیروزی آرمان مترقی در سر تاسر جهان اینست کفشرایط ومختصات هرکشور باید درنظر گرفته شود. مادر دل بکوبی ترمبایان عمو می مربوط به بالیسی احزاب مترقی را بمثابه علم وهنر (سیاسی وارث) مورد بحث قرار میدهیم.

تاکتیک

تاکتیک عوامل مهم نیرو مند ی احزاب مترقی نوین طبقهٔ کار گر زیرا قوانین علم اصول جهانبینی علمی مبنای تئوریک بالیسی آنهارا تدارک می بیند و براساس این اصول امت خود را به خودشخص تاریخی بمفاهیمت عینی میتواند مبورت گیرد.

بدینجهت ترقی خواهان مترقی بمجرد یک مسئلهٔ خط عمومی بمنزلهٔ دفاع از منافع خلق کار گر انقلابی، هاي خودرا بر مبنای شناخت قوانین عمومی تکامل اجتماعی و بحضور می بر اساس شناخت قوانین عینا زنده طبقاتی تنظیم مینمایند: آرایش نیروی های طبقاتی را در هر وضع مشخص در نظر میگیرند و متوجه آنها می نمایند که شروط اولی و ضروری برای پیروزی آرمان مترقی در سر تاسر جهان اینست کفشرایط ومختصات هرکشور باید درنظر گرفته شود. مادر دل بکوبی ترمبایان عمو می مربوط به بالیسی احزاب مترقی را بمثابه علم وهنر (سیاسی وارث) مورد بحث قرار میدهیم.

بالیسی حزب مترقی، رهبری ستراتژیک ان علم و هنر ا ست

مجموع اعمالیکه فعالیتهای عملی یک حزب کر فرمای آنرا میتواند با لیستی تشکیل میدهد بصورت حقوق اساسه واز طرف رهبری حزب به وجود می آید. بلکه بیان مشخص مشی سیاسی اینست کهازطرف حزب بر اساس تحلیل علمی مرحلهٔ معینی از مبارزه در وضع معین تنظیم گردیده است. در لسان سیاسی اصطلاحات تاکتیک و ستراتژی برای بیشاندان ان این مشی مورد استفاده قرار می گیرد.

اصطلاح را تاکتیک غالبا بمعنی سیاسی را برای بکمر بند بالیسه تاریخی و ضع گردیده باشد. ولی باید بخاطر داشت کهدر جنبش مترقی و کار گری قبل از (۱۹۱۷) اصطلاح ستراتژی قابل استعمال نبود بیکردید و تاکتیک به معنی بالیسی کلی حزب به کار میرفت. بدینجهت با استعمال اصطلاح تا تیک هم وظایف بالیسه امتست نشانه یک حزب رهبری در مبارزه طبقهٔ کار گر (تا تیک در وسیع معنیدا آن) وهم تا طبیکه سیر تا سر یک جر حله تاریخی کهاز قبل از در میکر قست نشان داده میشد، بطور مثال در دور تاکتیک سیاسی حزب برای تمام مدت آمادگی و به انجام رسانیه ن انقلاب دمو کراتیک صحبت میشد است. اصطلاح ستراتژی فقط دیرتر از آغاز قبل از (۱۹۱۷) برای نشان دادن مشی سیاسی حزب به کار رفته. بنا بمناسبت سرعت تغییر مدا ن کتیک کاملا مناسب بر نشده بود.

حقوق ماموریین پایانر تبه...

از (صراول)

مورد قناعت متقاعدین واقع گردد. معطل قرار دادن وبایعدم اجرای درست مباشی متقاعدین، استفاده از شیوهٔ زیادی را در بر میگیرد: اشکال مسازره (قضصدای سیاسی آمیز بسیا مسیا تمست آمیز) یا تلفیق اشکال گوناگون مبا رزه، نهایمی تدافعی یا عقب نشینی، مصا بحه و موتفیتها به منظور استفاده کردن از خصومت ها، برخوردها و درگیریها در کا مست جریان بجدد جبهه متحد با توده ها، بمنظور جلب و بسیج توده ها، و همچنین تاکتیک وظیفه منظور تبایل آمدن به هدف عمده جنبش طبقه کار گر. بهعبارت بهتر و عمومی تر، تاکتیک ها ی مترقی در امر تلفیق اشکال مختلف مبارزه (در انتقا ل ماهرانه از یک شکل بهشکل دیگر) در ارتقای مداوم شعور توده ها و بسط سطح فعالیتهای دستهجمعی (نشان ،کار بردی میشود. (باقیدارد)

حقوق ماموریین پایانر تبه...

از (ص اول)

ومسایل نیل بهدهدف عمده و در شرایط مشخص. تاکتیک موضوعات زیادی را در بر میگیرد: اشکال مسازره (قضصدای سیاسی آمیز بسیا مسیا تمست آمیز) یا تلفیق اشکال گوناگون مبا رزه، نهایمی تدافعی یا عقب نشینی، مصا بحه و موتفیتها به منظور استفاده کردن از خصومت ها، برخوردها و درگیریها در کا مست جریان بجدد جبهه متحد با توده ها، بمنظور جلب و بسیج توده ها، و همچنین تاکتیک وظیفه منظور تبایل آمدن به هدف عمده جنبش طبقه کار گر. بهعبارت بهتر و عمومی تر، تاکتیک ها ی مترقی در امر تلفیق اشکال مختلف مبارزه (در انتقا ل ماهرانه از یک شکل بهشکل دیگر) در ارتقای مداوم شعور توده ها و بسط سطح فعالیتهای دستهجمعی (نشان ،کار بردی میشود. (باقیدارد)

از (ص اول)

نباید از اعترافات ...

عنصر مبارز و یک سازمان سیاسی بوقص که اینکار نداشته گیرد واز اعتراف به اشتباهات بودواهمه نماید ایشان بهتر میدانند کهاز طرف رهبری حزب به وجود آمده است. بلکه بیان مشخص مشی سیاسی اینست کهازطرف حزب بر اساس تحلیل علمی مرحلهٔ معینی از مبارزه در وضع معین تنظیم گردیده است. در لسان سیاسی اصطلاحات تاکتیک و ستراتژی برای بیشاندان ان این مشی مورد استفاده قرار می گیرد.

اصطلاح را تاکتیک غالبا بمعنی سیاسی را برای بکمر بند بالیسه تاریخی و ضع گردیده باشد. ولی باید بخاطر داشت کهدر جنبش مترقی و کار گری قبل از (۱۹۱۷) اصطلاح ستراتژی قابل استعمال نبود بیکردید و تاکتیک به معنی بالیسی کلی حزب به کار میرفت. بدینجهت با استعمال اصطلاح تا تیک هم وظایف بالیسه امتست نشانه یک حزب رهبری در مبارزه طبقهٔ کار گر (تا تیک در وسیع معنیدا آن) وهم تا طبیکه سیر تا سر یک جر حله تاریخی کهاز قبل از در میکر قست نشان داده میشد، بطور مثال در دور تاکتیک سیاسی حزب برای تمام مدت آمادگی و به انجام رسانیه ن انقلاب دمو کراتیک صحبت میشد است. اصطلاح ستراتژی فقط دیرتر از آغاز قبل از (۱۹۱۷) برای نشان دادن مشی سیاسی حزب به کار رفته. بنا بمناسبت سرعت تغییر مدا ن کتیک کاملا مناسب بر نشده بود.

مجموع اعمالیکه فعالیتهای عملی یک حزب کر فرمای آنرا میتواند با لیستی تشکیل میدهد بصورت حقوق اساسه واز طرف رهبری حزب به وجود می آید. بلکه بیان مشخص مشی سیاسی اینست کهازطرف حزب بر اساس تحلیل علمی مرحلهٔ معینی از مبارزه در وضع معین تنظیم گردیده است. در لسان سیاسی اصطلاحات تاکتیک و ستراتژی برای بیشاندان ان این مشی مورد استفاده قرار می گیرد.

اصطلاح را تاکتیک غالبا بمعنی سیاسی را برای بکمر بند بالیسه تاریخی و ضع گردیده باشد. ولی باید بخاطر داشت کهدر جنبش مترقی و کار گری قبل از (۱۹۱۷) اصطلاح ستراتژی قابل استعمال نبود بیکردید و تاکتیک به معنی بالیسی کلی حزب به کار میرفت. بدینجهت با استعمال اصطلاح تا تیک هم وظایف بالیسه امتست نشانه یک حزب رهبری در مبارزه طبقهٔ کار گر (تا تیک در وسیع معنیدا آن) وهم تا طبیکه سیر تا سر یک جر حله تاریخی کهاز قبل از در میکر قست نشان داده میشد، بطور مثال در دور تاکتیک سیاسی حزب برای تمام مدت آمادگی و به انجام رسانیه ن انقلاب دمو کراتیک صحبت میشد است. اصطلاح ستراتژی فقط دیرتر از آغاز قبل از (۱۹۱۷) برای نشان دادن مشی سیاسی حزب به کار رفته. بنا بمناسبت سرعت تغییر مدا ن کتیک کاملا مناسب بر نشده بود.

اصطلاح را تاکتیک غالبا بمعنی سیاسی را برای بکمر بند بالیسه تاریخی و ضع گردیده باشد. ولی باید بخاطر داشت کهدر جنبش مترقی و کار گری قبل از (۱۹۱۷) اصطلاح ستراتژی قابل استعمال نبود بیکردید و تاکتیک به معنی بالیسی کلی حزب به کار میرفت. بدینجهت با استعمال اصطلاح تا تیک هم وظایف بالیسه امتست نشانه یک حزب رهبری در مبارزه طبقهٔ کار گر (تا تیک در وسیع معنیدا آن) وهم تا طبیکه سیر تا سر یک جر حله تاریخی کهاز قبل از در میکر قست نشان داده میشد، بطور مثال در دور تاکتیک سیاسی حزب برای تمام مدت آمادگی و به انجام رسانیه ن انقلاب دمو کراتیک صحبت میشد است. اصطلاح ستراتژی فقط دیرتر از آغاز قبل از (۱۹۱۷) برای نشان دادن مشی سیاسی حزب به کار رفته. بنا بمناسبت سرعت تغییر مدا ن کتیک کاملا مناسب بر نشده بود.

دیگر در عین بیانیه ها عوض مشی جاری دقیق دور مره به چاح دست خیر. از کرسی ولسی جرگه تمام تاسیهکام صورت گرفته که از لحاظ طراحی سیاسی و موقف علمی و تحلیلی وضوع دراو عمیقا علمی و تحلیلی بسر نشد جامعه ما ،مصف تئوری اقتلابی وهبری علمی، مهیم بودن عدیدا ز آمیز ارتجاع ، اشتباه گوچکی در مبارزه ایکه بالفعل شده میتوانست بلاهمجاه، داخل کردن صورت و شکل مشخص مبارزه در اخیر هرام تجانب خلق اعتنائی عملا تنظیم شده دو کرا تیک حتی اشتباهی بود که در نتیجه موجب سوء تفاهمات گردید. به این معنی که گویا ما بلا شکل و صورت مبارزه را بیانیه های ما ،اعلان های ما ،کنفرانسها ،بالیانی وخارج بالیانی ضلاستبداد ما بکار بر د ن یکعده ا فاد ت و اصطلاحات غیر معمول ،عوض لغات و اصطلاحات معمول و متداول سیاسی کشور که وسیله تبلیغات ارتجاع و مخالفین عنیه ما قرار گرفت ، اکنون اغلب آن لغات و اصطلاحات حتی از طرف محا فل حاکمه و دیگر نیرو های ایوزسیون و مخالف حکومت نیز بکار برده میشود.

مابدار جگم صول، اشتباهات کوچك تولفه آمیز وعمد قانونی آن مرتکب اشتباهات کوچك لفظی شده ایم. به این معنی که از یکنوع در بیانیه های ما فقط مقام اشتباهی، بی مو رد وصوری افاده شده است واز سوی دیگر در بیانیه ها غوض منتقدین بکمام مقامی ،بیکارگی بازمانده از کادرها ،بیکاری ،بیکارگی بازماندگان دوفیصد وضع و بحساب خزینهٔ تقاعد تحر بیل میگردد ، بکوچکترین حقی درین زمینه اعتراف نشده است. درپهلوی اینها گروه عظیمی از کارکنان موسسات خصوصی نیز آینده خود را تاریك و مبهم می بینند و درصورتیکه از کار اخراج کردند و یا کیرسن بسراغ شان آمد هیچگونه تضمینی از زمگذر دریافت حق تقاعد برای تامین حیات خویش ندارند.

حقداساب تقاعد (۳۰سال خدمت) برای عدهٔ ی از ماموریتی که نخدمات دشوار وباضرر بصحت اشتغال دارند، زیاد است (مثلامعلمان وپادگرانیکه باتمام ایکس سروکار دارند).

معاش تقاعد عدهٔ زیادی ازماموران بالاخره وبیوه یا خانواده های ماموریکه متوفی حیفی باشد، پس یکو جه از اقوام روزافزون قیمتها نمیتواند حد اقل زندگی رابخاطر بیاید.مثلا به بازماندگان ماموریکه به کاتبانی ماموریت دراثر امراض وحوادثیکه از سبب اجرای وظیفه نباشد وفات نمایند، در برابر خدمت کمتر از پنجسال دوماهمعاش ودربرابر خدمت تا ۱۵ سال بمقابل هر سال خدمت یکماهمعاش ،بیکارگی به بازماندگان داده میشود ولی بعلاوهٔ ماهور قطع میگردد (مادهٔ ۷۴ اصولنامه استخدام مامورین مقلی)وبا در صورتیکه مقدار معاش ماهانه بهریکی از ایتام وبازماندگان کمتر ازده افغانی تصادف کند ، نظر به سن شان بول استحقاقیهٔ آنها تا ۱۸ سالگی سنجیده شده، بیکبار کی اعطا وعلاوهٔ شان قطع میگردد. مادهٔ ۷۸ اصولنامه مذکوره.

مقررات درین زمینه بحدی ضد انسانی است که حتی بازماندگان را از حقوق مسلم شان نیز محروم میسازد، مثلا مادهٔ ۸۲ اصولنامه قبل الذکر تصریح مینماید، «اینبیسته از چندین جهت مستحق معاش ورالتی باشند، معاش عمان جهتیکه اضافه تاشد، برای آنها داده میشود.

برای باز ماندگان اجیرانی که درحین اجرای وظیفه حیات خویش را ازدست میدهند، کوچکترین تضمینی نظام ورالتیکه در افغانستان موجود نمیدارد، فقط اصل ۳٤ این بخشنامهٔ بیانیهٔ ـ ۱۳۳۱ را برای آنان وارد داشته است: «اجیرانیکه در داخل خدمت فوت میشوند، کسانیکه تاکسال سابقهٔ خدمت دارند،بکماهمعاش وکسانیکه تاسه سال سابقهٔ خدمت دارند دوماهمعاش وکسانیکه بیشتر ازسه سال سابقهٔ دارند سه ماهمعاش بطور بخشش به ورثه شان بر پرداخته میشود».

بااین مقررات حق تقاعد وقانون شکنانه فقرسیاه وفقر بیدوامیکه برای خانواده های فقیر وتیهدست هزاران تن از کارکنان سابه اختیاره و حیات آنانرا ترس از آیندهٔ مجهول دچار میسازد، تمیلیغ میشود.

این د ستیرد های نا حوانمردانه وضد انسانی در چهار چوب خشك قوانین جرا بحقوق ماموریکه رکاردمان برابر اعمال نیکین شان ، که عروزد از روز گذشته به تر شده میرود ، هیچ صورتیکه تراب زده اند. یکعده از ماموران شریف که بفرض تحقیق مسایل گاهی باینجا آمده اند وحقایق بعراحت بالاتر دولتی سپرده اند ،

دیگر بر عین بیانیه ها غوض مشی جاری دقیق دور مره به چاح دست خیر. از کرسی ولسی جرگه تمام تاسیهکام صورت گرفته که از لحاظ طراحی سیاسی و موقف علمی و تحلیلی وضوع دراو عمیقا علمی و تحلیلی بسر نشد جامعه ما ،مصف تئوری اقتلابی وهبری علمی، مهیم بودن عدیدا ز آمیز ارتجاع ، اشتباه گوچکی در مبارزه ایکه بالفعل شده میتوانست بلاهمجاه، داخل کردن صورت و شکل مشخص مبارزه در اخیر هرام تجانب خلق اعتنائی عملا تنظیم شده دو کرا تیک حتی اشتباهی بود که در نتیجه موجب سوء تفاهمات گردید. به این معنی که گویا ما بلا شکل و صورت مبارزه را بیانیه های ما ،اعلان های ما ،کنفرانسها ،بالیانی وخارج بالیانی ضلاستبداد ما بکار بر د ن یکعده ا فاد ت و اصطلاحات غیر معمول ،عوض لغات و اصطلاحات معمول و متداول سیاسی کشور که وسیله تبلیغات ارتجاع و مخالفین عنیه ما قرار گرفت ، اکنون اغلب آن لغات و اصطلاحات حتی از طرف محا فل حاکمه و دیگر نیرو های ایوزسیون و مخالف حکومت نیز بکار برده میشود.

مابدار جگم صول، اشتباهات کوچك تولفه آمیز وعمد قانونی آن مرتکب اشتباهات کوچك لفظی شده ایم. به این معنی که از یکنوع در بیانیه های ما فقط مقام اشتباهی، بی مو رد وصوری افاده شده است واز سوی دیگر در بیانیه ها غوض منتقدین بکمام مقامی ،بیکارگی بازمانده از کادرها ،بیکاری ،بیکارگی بازماندگان دوفیصد وضع و بحساب خزینهٔ تقاعد تحر بیل میگردد ، بکوچکترین حقی درین زمینه اعتراف نشده است. درپهلوی اینها گروه عظیمی از کارکنان موسسات خصوصی نیز آینده خود را تاریك و مبهم می بینند و درصورتیکه از کار اخراج کردند و یا کیرسن بسراغ شان آمد هیچگونه تضمینی از زمگذر دریافت حق تقاعد برای تامین حیات خویش ندارند.

حقداساب تقاعد (۳۰سال خدمت) برای عدهٔ ی از ماموریتی که نخدمات دشوار وباضرر بصحت اشتغال دارند، زیاد است (مثلامعلمان وپادگرانیکه باتمام ایکس سروکار دارند).

معاش تقاعد عدهٔ زیادی ازماموران بالاخره وبیوه یا خانواده های ماموریکه متوفی حیفی باشد، پس یکو جه از اقوام روزافزون قیمتها نمیتواند حد اقل زندگی رابخاطر بیاید.مثلا به بازماندگان ماموریکه به کاتبانی ماموریت دراثر امراض وحوادثیکه از سبب اجرای وظیفه نباشد وفات نمایند، در برابر خدمت کمتر از پنجسال دوماهمعاش ودربرابر خدمت تا ۱۵ سال بمقابل هر سال خدمت یکماهمعاش ،بیکارگی به بازماندگان داده میشود ولی بعلاوهٔ ماهور قطع میگردد (مادهٔ ۷٤ اصولنامه استخدام مامورین مقلی)وبا در صورتیکه مقدار معاش ماهانه بهریکی از ایتام وبازماندگان کمتر ازده افغانی تصادف کند ، نظر به سن شان بول استحقاقیهٔ آنها تا ۱۸ سالگی سنجیده شده، بیکبار کی اعطا وعلاوهٔ شان قطع میگردد. مادهٔ ۷۸ اصولنامه مذکوره.

مقررات درین زمینه بحدی ضد انسانی است که حتی بازماندگان را از حقوق مسلم شان نیز محروم میسازد، مثلا مادهٔ ۸۲ اصولنامه قبل الذکر تصریح مینماید، «اینبیسته از چندین جهت مستحق معاش ورالتی باشند، معاش عمان جهتیکه اضافه تاشد، برای آنها داده میشود.

برای باز ماندگان اجیرانی که درحین اجرای وظیفه حیات خویش را ازدست میدهند، کوچکترین تضمینی نظام ورالتیکه در افغانستان موجود نمیدارد، فقط اصل ۳٤ این بخشنامهٔ بیانیهٔ ـ ۱۳۳۱ را برای آنان وارد داشته است: «اجیرانیکه در داخل خدمت فوت میشوند، کسانیکه تاکسال سابقهٔ خدمت دارند،بکماهمعاش وکسانیکه تاسه سال سابقهٔ خدمت دارند دوماهمعاش وکسانیکه بیشتر ازسه سال سابقهٔ دارند سه ماهمعاش بطور بخشش به ورثه شان بر پرداخته میشود».

بااین مقررات حق تقاعد وقانون شکنانه فقرسیاه وفقر بیدوامیکه برای خانواده های فقیر وتیهدست هزاران تن از کارکنان سابه اختیاره و حیات آنانرا ترس از آیندهٔ مجهول دچار میسازد، تمیلیغ میشود.

این د ستیرد های نا حوانمردانه وضد انسانی در چهار چوب خشك قوانین جرا بحقوق ماموریکه رکاردمان برابر اعمال نیکین شان ، که عروزد از روز گذشته به تر شده میرود ، هیچ صورتیکه تراب زده اند. یکعده از ماموران شریف که بفرض تحقیق مسایل گاهی باینجا آمده اند وحقایق بعراحت بالاتر دولتی سپرده اند ،

باید از اعتراف ... ایکه ما به بیروی پیش آهنگ جنبش، مرتکب اشتباهات جزئی و چیزان بدیر شده ایم که از طرف هم در جریان و مسایل اجیر اصلاح گردیده اند.

اشتباهات ما قبل از دو سال اخیر بیشتر ناشی از کمی تجربه سیاسی وضعف درك عمیقا علمی وتحلیلی بسر نشد جامعه ما ،مصف تئوری اقتلابی وهبری علمی، مهیم بودن عدیدا ز آمیز ارتجاع ، اشتباه گوچکی در مبارزه ایکه بالفعل شده میتوانست بلاهمجاه، داخل کردن صورت و شکل مشخص مبارزه در اخیر هرام تجانب خلق اعتنائی عملا تنظیم شده دو کرا تیک حتی اشتباهی بود که در نتیجه موجب سوء تفاهمات گردید. به این معنی که گویا ما بلا شکل و صورت مبارزه را بیانیه های ما ،اعلان های ما ،کنفرانسها ،بالیانی وخارج بالیانی ضلاستبداد ما بکار بر د ن یکعده ا فاد ت و اصطلاحات غیر معمول ،عوض لغات و اصطلاحات معمول و متداول سیاسی کشور که وسیله تبلیغات ارتجاع و مخالفین عنیه ما قرار گرفت ، اکنون اغلب آن لغات و اصطلاحات حتی از طرف محا فل حاکمه و دیگر نیرو های ایوزسیون و مخالف حکومت نیز بکار برده میشود.

مابدار جگم صول، اشتباهات کوچك تولفه آمیز وعمد قانونی آن مرتکب اشتباهات کوچك لفظی شده ایم. به این معنی که از یکنوع در بیانیه های ما فقط مقام اشتباهی، بی مو رد وصوری افاده شده است واز سوی دیگر در بیانیه ها غوض منتقدین بکمام مقامی ،بیکارگی بازمانده از کادرها ،بیکاری ،بیکارگی بازماندگان دوفیصد وضع و بحساب خزینهٔ تقاعد تحر بیل میگردد ، بکوچکترین حقی درین زمینه اعتراف نشده است. درپهلوی اینها گروه عظیمی از کارکنان موسسات خصوصی نیز آینده خود را تاریك و مبهم می بینند و درصورتیکه از کار اخراج کردند و یا کیرسن بسراغ شان آمد هیچگونه تضمینی از زمگذر دریافت حق تقاعد برای تامین حیات خویش ندارند.

حقداساب تقاعد (۳۰سال خدمت) برای عدهٔ ی از ماموریتی که نخدمات دشوار وباضرر بصحت اشتغال دارند، زیاد است (مثلامعلمان وپادگرانیکه باتمام ایکس سروکار دارند).

معاش تقاعد عدهٔ زیادی ازماموران بالاخره وبیوه یا خانواده های ماموریکه متوفی حیفی باشد، پس یکو جه از اقوام روزافزون قیمتها نمیتواند حد اقل زندگی رابخاطر بیاید.مثلا به بازماندگان ماموریکه به کاتبانی ماموریت دراثر امراض وحوادثیکه از سبب اجرای وظیفه نباشد وفات نمایند، در برابر خدمت کمتر از پنجسال دوماهمعاش ودربرابر خدمت تا ۱۵ سال بمقابل هر سال خدمت یکماهمعاش ،بیکارگی به بازماندگان داده میشود ولی بعلاوهٔ ماهور قطع میگردد (مادهٔ ۷٤ اصولنامه استخدام مامورین مقلی)وبا در صورتیکه مقدار معاش ماهانه بهریکی از ایتام وبازماندگان کمتر ازده افغانی تصادف کند ، نظر به سن شان بول استحقاقیهٔ آنها تا ۱۸ سالگی سنجیده شده، بیکبار کی اعطا وعلاوهٔ شان قطع میگردد. مادهٔ ۷۸ اصولنامه مذکوره.

مقررات درین زمینه بحدی ضد انسانی است که حتی بازماندگان را از حقوق مسلم شان نیز محروم میسازد، مثلا مادهٔ ۸۲ اصولنامه قبل الذکر تصریح مینماید، «اینبیسته از چندین جهت مستحق معاش ورالتی باشند، معاش عمان جهتیکه اضافه تاشد، برای آنها داده میشود.

برای باز ماندگان اجیرانی که درحین اجرای وظیفه حیات خویش را ازدست میدهند، کوچکترین تضمینی نظام ورالتیکه در افغانستان موجود نمیدارد، فقط اصل ۳٤ این بخشنامهٔ بیانیهٔ ـ ۱۳۳۱ را برای آنان وارد داشته است: «اجیرانیکه در داخل خدمت فوت میشوند، کسانیکه تاکسال سابقهٔ خدمت دارند،بکماهمعاش وکسانیکه تاسه سال سابقهٔ خدمت دارند دوماهمعاش وکسانیکه بیشتر ازسه سال سابقهٔ دارند سه ماهمعاش بطور بخشش به ورثه شان بر پرداخته میشود».

بااین مقررات حق تقاعد وقانون شکنانه فقرسیاه وفقر بیدوامیکه برای خانواده های فقیر وتیهدست هزاران تن از کارکنان سابه اختیاره و حیات آنانرا ترس از آیندهٔ مجهول دچار میسازد، تمیلیغ میشود.

این د ستیرد های نا حوانمردانه وضد انسانی در چهار چوب خشك قوانین جرا بحقوق ماموریکه رکاردمان برابر اعمال نیکین شان ، که عروزد از روز گذشته به تر شده میرود ، هیچ صورتیکه تراب زده اند. یکعده از ماموران شریف که بفرض تحقیق مسایل گاهی باینجا آمده اند وحقایق بعراحت بالاتر دولتی سپرده اند ،

باید از اعتراف ... ایکه ما به بیروی پیش آهنگ جنبش، مرتکب اشتباهات جزئی و چیزان بدیر شده ایم که از طرف هم در جریان و مسایل اجیر اصلاح گردیده اند.

اشتباهات ما قبل از دو سال اخیر بیشتر ناشی از کمی تجربه سیاسی وضعف درك عمیقا علمی وتحلیلی بسر نشد جامعه ما ،مصف تئوری اقتلابی وهبری علمی، مهیم بودن عدیدا ز آمیز ارتجاع ، اشتباه گوچکی در مبارزه ایکه بالفعل شده میتوانست بلاهمجاه، داخل کردن صورت و شکل مشخص مبارزه در اخیر هرام تجانب خلق اعتنائی عملا تنظیم شده دو کرا تیک حتی اشتباهی بود که در نتیجه موجب سوء تفاهمات گردید. به این معنی که گویا ما بلا شکل و صورت مبارزه را بیانیه های ما ،اعلان های ما ،کنفرانسها ،بالیانی وخارج بالیانی ضلاستبداد ما بکار بر د ن یکعده ا فاد ت و اصطلاحات غیر معمول ،عوض لغات و اصطلاحات معمول و متداول سیاسی کشور که وسیله تبلیغات ارتجاع و مخالفین عنیه ما قرار گرفت ، اکنون اغلب آن لغات و اصطلاحات حتی از طرف محا فل حاکمه و دیگر نیرو های ایوزسیون و مخالف حکومت نیز بکار برده میشود.

مابدار جگم صول، اشتباهات کوچك تولفه آمیز وعمد قانونی آن مرتکب اشتباهات کوچك لفظی شده ایم. به این معنی که از یکنوع در بیانیه های ما فقط مقام اشتباهی، بی مو رد وصوری افاده شده است واز سوی دیگر در بیانیه ها غوض منتقدین بکمام مقامی ،بیکارگی بازمانده از کادرها ،بیکاری ،بیکارگی بازماندگان دوفیصد وضع و بحساب خزینهٔ تقاعد تحر بیل میگردد ، بکوچکترین حقی درین زمینه اعتراف نشده است. درپهلوی اینها گروه عظیمی از کارکنان موسسات خصوصی نیز آینده خود را تاریك و مبهم می بینند و درصورتیکه از کار اخراج کردند و یا کیرسن بسراغ شان آمد هیچگونه تضمینی از زمگذر دریافت حق تقاعد برای تامین حیات خویش ندارند.

حقداساب تقاعد (۳۰سال خدمت) برای عدهٔ ی از ماموریتی که نخدمات دشوار وباضرر بصحت اشتغال دارند، زیاد است (مثلامعلمان وپادگرانیکه باتمام ایکس سروکار دارند).

معاش تقاعد عدهٔ زیادی ازماموران بالاخره وبیوه یا خانواده های ماموریکه متوفی حیفی باشد، پس یکو جه از اقوام روزافزون قیمتها نمیتواند حد اقل زندگی رابخاطر بیاید.مثلا به بازماندگان ماموریکه به کاتبانی ماموریت دراثر امراض وحوادثیکه از سبب اجرای وظیفه نباشد وفات نمایند، در برابر خدمت کمتر از پنجسال دوماهمعاش ودربرابر خدمت تا ۱۵ سال بمقابل هر سال خدمت یکماهمعاش ،بیکارگی به بازماندگان داده میشود ولی بعلاوهٔ ماهور قطع میگردد (مادهٔ ۷٤ اصولنامه استخدام مامورین مقلی)وبا در صورتیکه مقدار معاش ماهانه بهریکی از ایتام وبازماندگان کمتر ازده افغانی تصادف کند ، نظر به سن شان بول استحقاقیهٔ آنها تا ۱۸ سالگی سنجیده شده، بیکبار کی اعطا وعلاوهٔ شان قطع میگردد. مادهٔ ۷۸ اصولنامه مذکوره.

مقررات درین زمینه بحدی ضد انسانی است که حتی بازماندگان را از حقوق مسلم شان نیز محروم میسازد، مثلا مادهٔ ۸۲ اصولنامه قبل الذکر تصریح مینماید، «اینبیسته از چندین جهت مستحق معاش ورالتی باشند، معاش عمان جهتیکه اضافه تاشد، برای آنها داده میشود.

برای باز ماندگان اجیرانی که درحین اجرای وظیفه حیات خویش را ازدست میدهند، کوچکترین تضمینی نظام ورالتیکه در افغانستان موجود نمیدارد، فقط اصل ۳٤ این بخشنامهٔ بیانیهٔ ـ ۱۳۳۱ را برای آنان وارد داشته است: «اجیرانیکه در داخل خدمت فوت میشوند، کسانیکه تاکسال سابقهٔ خدمت دارند،بکماهمعاش وکسانیکه تاسه سال سابقهٔ خدمت دارند دوماهمعاش وکسانیکه بیشتر ازسه سال سابقهٔ دارند سه ماهمعاش بطور بخشش به ورثه شان بر پرداخته میشود».

بااین مقررات حق تقاعد وقانون شکنانه فقرسیاه وفقر بیدوامیکه برای خانواده های فقیر وتیهدست هزاران تن از کارکنان سابه اختیاره و حیات آنانرا ترس از آیندهٔ مجهول دچار میسازد، تمیلیغ میشود.

این د ستیرد های نا حوانمردانه وضد انسانی در چهار چوب خشك قوانین جرا بحقوق ماموریکه رکاردمان برابر اعمال نیکین شان ، که عروزد از روز گذشته به تر شده میرود ، هیچ صورتیکه تراب زده اند. یکعده از ماموران شریف که بفرض تحقیق مسایل گاهی باینجا آمده اند وحقایق بعراحت بالاتر دولتی سپرده اند ،

زندگی مرگبار هنرمندان

محروم وطن

دوشیزهٔ باکیفل ووطنپرست شبی ازدرمحفل عروسی به صبح گرد جشمان تیز بینش در زرق وبرق محفل عروسی واقعیت دردناکی را دنبال کرد که تصویر غم انگیزی از زندگی رنج آور هنرمندان خلقی را انعکاس میداد ، فردای آن شب با توفانی از احساسات شاعرانه زیرو زبر شده ارسال کرد:

«شب به کرانه های سیمینه نزدیك میشد ، میهمانان شب زنده در انتظار قدوم عروس وداماد دقیقه شماری می کردند . خواب چون مهمان نا خوانده بخانهٔ چشمان هنرمندان راه میکرد ،ولی ایجاد دستهٔ کوچکی از هنر مندان رنجبر ، در تاز خوشی و بیدار نگهداشتن دیگران خود نیز جگر می خوردند ، چهرهٔ غمزده و جشمان اندوه هبار آنان به صورت آشکا را راز زندگی دزد انگیز آنان از اقتضاء وارزاز بیدار خوابیها ، گرسنگی ها و آوارگیها، نمایان بود.

جشمان بی فروغ دو زن سال خورده حکایتی ازیك زندگی درد ـ آور دربیغوله ها ، پس کی جو چه ها ، خانه های بی آفتاب و نمزده با ر گفت.

آنها در شیوهٔ لاغر بلند قدست با نگاهان زننده شعله ای از نفرت وعصیانرا منعکس میکرد .

کودکان جورژ سال کهاز بیخوابی و بیجائی چون شاخه های نا توان بی اختیار از بیمنوسه انسو میپیچیدند ، انگشتان نازك شانرا روی پرده های مباز می کشیدند وتصویر ازدرانگیزی از یك زندگی تاریك و سرد را به امواج فضا می میپرند. آنها همزمان با آمیزوهیکه از سبب نبون دل میجوزد، تاك دکانرا در خود نمایی ها ، خود فروشی ها و خود جواهی ها بنمایش سر گرم نگهدارند.

باین بر شیزه توجه کنید ! ! و هنوز تلخی مرگ آرمانهای کودکش را از یاد نبرده که احساس عروسی خود است ، او میدانند که چه را در اندوه هبار وتاریکی در بیشرو دارد. آینده مجهول ، احساس تنهائیی ، امیدهای مبهم و تلاشهای کنتك بر قلبم را فشار می آورد ودرجشمها ش عصیانگرش شعلهٔ انتقامی افروزد.

«۱ـ ... از زورنگه شاعرانه تعبیر بخش مسالمتگ مورد استفادهٔ قرارگرفته ،از قرن ۱۲٤۷ در سر های کشیده و طاقت فرسا ملکانیکه بیافرامیرسد ازدرهایکه جانب سرك باز شده است رودهای موسمی سیرا زیر میشود و وضع سرك را خرابتر از مقدم میگذارد. مردم دهقان از نور معارف بیزار میشوند. قصدا تاخیر افتاده است. ۱۲ قصد سرای مولوی اکرام الدین درسال ۱۳۳٦ وماندن دوسیهٔ اوبدون اجرآت.

۲ـ به اثر عدم توجه ولایت بروان شیارهٔ موتر مجوزند دوسهٔ کیلومتر راه را پیاده طی کنند، آنهم درشرایط سر ما سکه کشیده و طاقت فرسا ملکانیکه بیافرامیرسد ازدرهایکه جانب سرك باز شده است رودهای موسمی سیرا زیر میشود و وضع سرك را خرابتر از مقدم میگذارد. مردم دهقان از نور معارف بیزار میشوند. قصدا تاخیر افتاده است.

۳ـ در وجدتی وجیب جور بند که مانند همه مردمان شریف ومحروم افغانستان، خیلی ناتوان و پریشان میباشند ، به نسبت خراب شدن این راه بیشتر پریشان شده اند.

غیر بندی ها که تخاطر ضرورت بطرف کابل و پروان حرکت میکنند مجبورند اکثر قسمت های راه را ازموتر پیاده شوند و راه بپیمایند. زیرا قسمت های زیادراه خیلی بد است و در بعضی از نقاط خطر جیغمیشود.

«گرد ، ووجود آسمانرا از ابر ها بطور مثال نقاط باساغ افغان» و «کوه آبچکان» را بنداز مهملك وخطرناکند که حتی عبور موترخالی بصورت اسرار آمیزی به نام شده وسالها با دوسیه هایکه بر ایشان ترتیب شده است، دردهلیز های وزارتخانه هاسر گردانی کشیده اند.

«بعضا افرادی از قشر منور جانب جرات کرده واعمال سنمگرا نیرحم محلی را ، بصورت مستند در جرایدو ملی منعکس ساخته اند ، اما بجای آنکه این نوشته ها موجب تنبیه عاملان دولت ویا با عث جلو گیری اعمال سنمگران محلی شود ، بالعکس موجب تحاکیه ، بازپرس وسرکوبی خود این نویسندگان شده